



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن



با گرد هم آیی و تظاهرات،  
۸ مارس را به روز نبردی بزرگ،  
علیه تبعیض و نابرابری تبدیل کنیم  
۳

## جمهوری اسلامی غرق در گرداب بحران‌های بین‌المللی

جمهوری اسلامی آنچنان در باتلاق مناقشات و بحران‌های بین‌المللی گرفتار است، که کمترین چشم اندازی برای کاهش این بحران‌ها متصور نیست. مناقشات و بحران‌هایی که یکی پس از دیگری سر باز می‌کنند و ناگفته پیداست که جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران طی ماه‌های اخیر، تاثیر شگرفی بر گسترش و تعمیق بحران‌های موجود گذاشته است.

مبارزات سلحشورانه توده‌های مردم ایران و به‌طور اخص حماسه آفرینی زنان ایران در ۵ ماه گذشته،

در صفحه ۵

## شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌های مخفی جمهوری اسلامی

این گزارش از وجود ۴۰ بازداشتگاه غیررسمی و مخفی در پادگان‌ها و مراکز سپاه، ساختمان‌های وزارت اطلاعات و حتا مساجد خبر داده است. بازداشتگاه‌هایی که برای شکنجه وحشیانه‌ی زندانیان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

این ۴۰ شکنجه‌گاه شامل ۸ مرکز در تهران، ۶ مرکز در سمنان، ۵ مرکز در زاهدان و همچنین مراکز شکنجه دیگری در شهرهای تبریز، مشهد، کرج، کرمانشاه، سقز، اشنویه و آمل بوده است.

در صفحه ۱۰

در روزهای گذشته شبکه خبری سی‌ان‌ان گزارشی تحقیقی در ارتباط با بازداشتگاه‌های مخفی حکومت اسلامی برای شکنجه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و دیگر زندانیان سیاسی منتشر کرد. سی‌ان‌ان در این گزارش با بهره‌گیری از توضیحات تعدادی از بازداشتی‌های اعتراضات که (موقتا) آزاد شده‌اند و تطابق اطلاعات آن‌ها با تصاویر ماهواره‌ای حتا محل دقیق تعدادی از آن بازداشتگاه‌ها را مشخص کرد.

۷ **زنده باد اعتصاب، زنده باد مبارزات کارگران نوب‌آهن**

۸ **با فریادی بلند علیه اعدام و شکنجه به پا خیزیم**

**جنایتی دیگر و مردمی که فریاد می‌زنند  
قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان**

۶

## موج جدید اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای



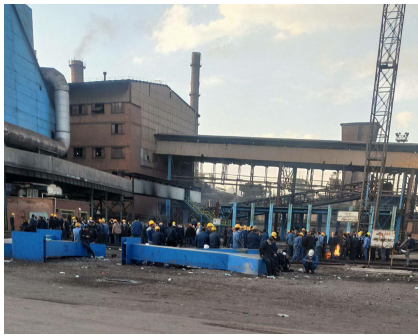
موج جدیدی از اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای سایر اقشار زحمتکش آغاز شده است. این موج اعتراض برخاسته از اعماق جامعه گرچه در حال حاضر آرام است و به‌آرامی در حال پیشروی، اما دیری نخواهد پایید که شکل توفنده‌ای به خود خواهد گرفت. گرچه هنوز نمی‌توان از فروکش کامل اعتراضات و نبردهای خیابانی با خواست‌های اخص سیاسی سخن گفت چنانکه در ۲۷ بهمن اعتراضات خیابانی بیش از بیست شهر را دربرگرفت و در تهران جوانان و مردم مبارز دست‌کم در ۱۰ منطقه به خیابان آمدند، فروکش نسبی آن اما واقعیتهای غیرقابل‌انکار است. این موضوع به معنای نفی این واقعیت نیست که بر بستر شرایط سیاسی و اقتصادی و بحران انقلابی، هرآینه می‌تواند موج‌بلندی از اعتراضات خیابانی حتی بلندتر از امواج پیشین در پنج ماه گذشته فرارسد. موضوع مهم اما این است که فروکش نسبی این امواج، با نضج‌گیری جنبش اعتصابی و اعتراضات گسترده صنفی و اقتصادی همراه شده است. قابل پیش‌بینی بود که کارگران، معلمان و بازنشستگانی که سال گذشته و پیش از برآمد جنبش انقلابی اخیر صدها و هزارها اعتصاب و تجمع و تظاهرات برپا نموده و در ابعادی وسیع و گسترده دست به اعتراض زده بودند، دوباره به اعتراض و مبارزه علنی برخیزند. اما این مرحله، بسیار زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد فرارسید. موج جدید اعتصابات کارگری، تجمعات و اعتراضات معلمان و بازنشستگان گویای این واقعیت است که جنبش اعتراضی توده‌ای در اشکال دیگری در حال پیشروی است و مبارزه در اعماق جامعه ادامه دارد.

در همین روزهای آغازین اسفندماه، شاهد ده‌ها اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری، تجمعات

در صفحه ۲

## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## موج جدید اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای



معلمان از بند رسته شور حال بیشتری به خود گرفت و برگزار شد.

علاوه بر اعتصابات متعدد کارگری، تجمعات اعتراضی معلمان، بازنشستگان، اعتراضات و تجمعاتی نیز در بازار تهران برگزار شده و کسبه بازار و چندین پاساژ نیز دست به اعتراض و تجمع زده و شعارهایی نیز سر داده‌اند. اعتصاب و تجمع و اعتراض به همه‌ی اقشار به‌ویژه اقشار فرودست جامعه تسری یافته است. معلولان تجمع و اعتراض می‌کنند، مقاضیان مسکن دست به تجمع می‌زنند، کارکنان سازمان ثبت املاک روز ۶ اسفند در چند شهر دست به تجمع زدند، خانواده‌های زندانیان سیاسی و محکوم‌به اعدام به‌طور مرتب مقابل زندان‌ها اجتماعات اعتراضی برپا می‌کنند، مردم بلوچ و ترکمن در گالیکش استان گلستان در همبستگی با مردم زاهدان دست به تجمع و تظاهرات می‌زنند و بلوچستان قهرمان و خستگی‌ناپذیر، علی‌رغم تشدید سرکوب مردم این منطقه، همچنان می‌خروشد و در ۵ اسفند، بیست و یکمین جمعه اعتراضی با تجمع و راهپیمایی هزاران نفره از مردم زحمتکش و شعارها و خواست‌های رادیکال برگزار می‌کند.

این حجم بزرگ از اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای مردم زحمتکش در ظرف یک هفته، گویای این واقعیت است که به‌رغم فروکش نسبی مبارزه در اشکال رادیکال و نبردهای خیابانی، اما مبارزه توده‌ای در اشکال دیگری ادامه دارد. تمام شواهد موجود از جمله ناتوانی طبقه حاکم و رژیم سیاسی و استبدادی این طبقه در پاسخگویی و برآورده ساختن خواست‌های کارگران و زحمتکشان، حاکی از آن است که این مبارزات گسترش بیشتری یافته و ابعاد و دامنه وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. سلسله اعتصابات کارگری و اعتراضات زنجیره‌ای توده‌ای گرچه با محوریت خواست‌های صنفی و اقتصادی شکل گرفته‌اند، اما در ادامه‌ی خود از این مرحله عبور نموده و به اعتصابات و اعتراض‌های سیاسی ورود نموده و به یک جنبش نیرومند اجتماعی تبدیل خواهد شد.

ما پیش‌از این پیش‌بینی کرده بودیم که توم با تشدید سرکوب و فروکش نسبی مبارزات خیابانی، اشکال دیگری از مبارزه با خواست‌های صنفی و اقتصادی گسترش خواهد یافت. نشریه کار شماره ۱۰۰۶ مورخ ۱۰ بهمن نوشت: "اگر شرایط و جو سیاسی جامعه و گسترش نبردهای رادیکال و خیابانی با خواست اخص سیاسی، همراه با سرکوب خشن و کشتار بی‌رحمانه جوانان و مبارزان می‌توانست سرمنشأ نوعی حالت انتظار و محافظه‌کاری در میان معلمان باشد، اکنون چنین به نظر می‌رسد که با افت

در صفحه ۴

یکشنبه ۳۰ بهمن بازنشستگان تأمین اجتماعی به‌طور همزمان در چندین شهر و استان از جمله کرمان، بندرعباس، رشت، شوش، شوشتر، اهواز، کرمانشاه و چند شهر دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند. در همین روز بازنشستگان فولاد اصفهان نیز تجمع برپا کردند. روز یکشنبه ۷ اسفند نیز همین تجمعات اعتراضی تکرار شد.

دوم اسفند بازنشستگان علوم پزشکی و خدمات درمانی مقابل صندوق بازنشستگی کشوری در تهران دست به تجمع زدند. سوم اسفند، بازنشستگان و مستمری‌بگیران استان خوزستان در چند شهر دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازنشستگان مخابرات که دور جدید تجمعات سراسری خود را از نیمه دوم بهمن آغاز نموده‌اند، در روز اول اسفند به‌طور همزمان در بیش از ۱۰ شهر و استان در برابر ساختمان مرکزی مخابرات، تجمعات اعتراضی برپا کردند. معلمان و فرهنگیان بازنشسته نیز که از اوایل بهمن‌ماه تجمعات و اعتراضاتی را در برابر اداره آموزش و پرورش سازمان داده بودند، اکنون در ابعاد گسترده‌تری وارد خیابان شده‌اند و روز چهارشنبه سوم اسفند با شعار "دوزک‌ک کافیه، سفره ما خالیه" تجمع بزرگی برپا کردند.

درحال حاضر نیز فراخوانی برای تجمع بزرگ بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی برای روز دوشنبه ۹ اسفند صادر شده است. افزون بر فرهنگیان بازنشسته، معلمان شاغل نیز در چند روز گذشته تجمعات و اعتراضاتی را سازمان داده‌اند. ۳۰ بهمن، معلمان تبریز دست به اعتراض و تجمع زدند. دوم اسفند معلمان تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش اجتماع اعتراضی بزرگی برپا کردند. در شیراز نیز روز سوم اسفند، معلمان از شهرهای مختلف استان فارس گرد هم آمدند و تجمع بزرگی را سازمان دادند. بنا به گزارش انجمن صنفی معلمان فارس، "نیروهای سیاهپوش" از ورود معلمان به



محوطه اداره کل آموزش و پرورش استان ممانعت به عمل آوردند و از معلمان کارت شناسایی طلب می‌کردند. اما با افزایش تعداد معلمان و پس‌از اینکه حدود ۲۰۰ نفر با ارائه کارت شناسایی به محوطه وارد شدند، از ورود بقیه جلوگیری کردند. حدود ۴ برابر جمعیتی که در داخل محوطه تجمع کردند در بیرون و پشت درب اداره کل ماندند. نیروهای سرکوب سیاهپوش با اعمال زور و خشونت سعی کردند جمعیت بیرون محوطه را پراکنده سازند. در حال علی‌رغم این اقدامات سرکوبگرانه، تجمع معلمان با حضور و سخنرانی تندی چند از معلمان از جمله

مکرر بازنشستگان تأمین اجتماعی و تجمعات اعتراضی معلمان بوده‌ایم.

اعتصابات کارگری به نحو چشم‌گیری فزونی یافته‌اند. از ۳۰ بهمن تا ۷ اسفند بیش از ۲۰ اعتصاب و تجمع کارگری گزارش شده که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛ اعتصاب و تجمع کارگران سیمان خاش که از روزهای پایانی بهمن آغاز شد و در اول اسفند نیز ادامه داشت، اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه یزد بافت که بزرگترین کارخانه نساجی در خاورمیانه محسوب می‌شود در ۳۰ بهمن، اعتصاب کارگران شهرداری یاسوج و اعتصاب کارگران حراست پروژه قطار شهری در همین



روز، اعتصاب و تجمع کارگران معدن کروم در منطقه آب دشت در روزهای پایانی بهمن، اعتصاب کارگران پروژه‌های پتروشیمی آدیش کنگان در روز دوشنبه اول اسفند، اعتصاب کارگران شرکت ملی سرب و روی زنجان، اعتصاب و راهپیمایی و تجمع کارگران شرکت سرب و روی یزد، اعتصاب کارگران شرکت کانرود سازه پتروشیمی چابهار در همین روز، اعتصاب چندروزه کارگران کارخانه فولاد اردستان، اعتصاب و تجمع کارگران مجتمع پارس جنوبی به‌رغم تهدید و بازداشت تندی چند از نمایندگان کارگران در اول اسفند، اعتصاب کارگران شهرداری شهرهای خوزستان و تجمع در مقابل استانداری این استان دوم اسفند در اهواز، اعتصاب کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان در همین روز، اعتصاب و تجمع کارگران معدن کرومیت اسفندکوه کرمان روز ۴ اسفند، اعتصاب کارگران پروژه‌های شاغل در نیروگاه سبلان اردبیل، اعتصاب و تجمع کارگران شاغل در شرکت پخش فرآورده های نفتی در منطقه اصفهان، اعتصاب یکپارچه و راهپیمایی کارگران فولاد یزد در ۷ اسفند، اعتصاب کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه و اعتصاب کارگران نوب‌آهن که ۶ اسفند آغاز شده و هنوز ادامه دارد.

کارگران در این اعتصابات عمدتاً مطالبات اقتصادی و صنفی خود را پیگیری نموده‌اند. پرداخت حقوق‌ها معوقه، نوع قرارداد و بیمه، طبقه‌بندی مشاغل، تضمین شغلی و افزایش دستمزد عمده‌ترین مطالبات کارگران بوده است.

اعتراض و مبارزه و طرح خواست‌های صنفی و اقتصادی اما فقط به کارگران شاغل خلاصه نمی‌شود. کارگران بازنشسته نیز تجمعات و اعتراضات سراسری خود را از سر گرفته‌اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی یکشنبه‌های اعتراضی را احیا کرده‌اند. شعارها و مطالبات پیشین، در تجمع‌ها و خیابان‌ها دوباره طنین‌انداز شده است؛ "فقط کف خیابون، به دست میاد حق مون"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم".



## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

### با گرد هم آیی و تظاهرات، ۸ مارس را به روز نبردی بزرگ، علیه تبعیض و نابرابری تبدیل کنیم

زنان ستمدیده و مبارز! ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن فرارسیده است.

امسال، ۸ مارس روز جهانی زن در شرایطی فرارسیده است که نقش برجسته مبارزه زنان ایران بر تارک مبارزات سال ۱۴۰۱ می‌درخشد. در تاریخ مبارزات مردم ایران به‌حق باید این سال را سال درخشش بی‌همتای زنان در مبارزه برای برابری نام نهاد.

این زنان بودند که در پی قتل مهسا (ژینا) امینی توسط آدمکشان جمهوری اسلامی، آغازگر موج نوینی از توفان سیاسی در ایران شدند که چهار ماه سراسر ایران را فراگرفت و هم‌اکنون نیز در اشکالی دیگر ادامه دارد.

عصر روز جمعه ۲۵ شهریور بود که گروهی از زنان مبارز، در اعتراض به قتل مهسا توسط جنایتکاران حاکم بر ایران، در مقابل بیمارستان کسرای تهران تجمع اعتراضی برپا کردند و با سردادن شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "می‌کشم، کسی که خواهرم کشت" نفرت و انزجار خود را از رژیم زن‌ستیز آدمکشی که چهل و چهار سال زنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محروم کرده است، با صدای بلند فریاد زدند. خشم نهفته در میان زنان و توده‌های ستمدیده مردم ایران از ظلم و ستم بی‌کران رژیم حاکم بر ایران، منفجر شد. فردای آن روز، حضور هزاران تن از مردم سقز در جریان مراسم خاکسپاری مهسا، با شعار "زن، ژیان، آزادی" مهر برابری را بر جنبشی که آغاز شده بود، کوبید و آن را به جنبشی توده‌ای در سراسر ایران تبدیل کرد. زنان در تمام شهرها در نقش سازمان دهندگان و رهبران این جنبش بزرگ ظاهر شدند و شعارهای «از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان»، «زن، زندگی، آزادی» به شعارهای همگانی تبدیل شد.

این نقش زنان در مبارزه، نقطه اوج مبارزات زنان به‌ویژه در جنبش‌هایی است که از سال ۹۶ آغاز شده است. در تمام اشکال مبارزاتی که در این چند سال در جریان بوده است، از مبارزات اقتصادی و سیاسی خیابانی معلمان، بازنشستگان، کارگران، دانشجویان، پرستاران، تا قیام آبان ماه سال ۹۸، زنان نه‌فقط نقشی فعال، بلکه در بسیاری موارد رهبری کننده را بر عهده داشته‌اند. این نقش، چنان برجسته بوده است که مرتجعین نیز به آن اعتراف کرده‌اند. برای نخستین بار آن‌ها از "نقش چشمگیر ویژه زنان در لیدری" و در "میان‌داری و میدان‌داری ویژه" در مبارزات، سخن گفتند.

گرچه جنبش زنان ایران علیه تبعیض، ستم و نابرابری در تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی در اشکال مختلف ادامه داشته، اما نقش زنان در جنبش اخیر از دو جهت برجسته بود. نخست این‌که پس از مبارزات بزرگ زنان در اسفند سال ۵۷، زنان در یک جنبش توده‌ای بزرگ مستقیماً علیه تبعیض، ستم و نابرابری قیام کردند. شعار از "از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان" "زن، زندگی، آزادی" "مرگ بر دیکتاتور" شعارهای برجسته و محوری این جنبش بود. زنان در جریان این نبرد، قهرمانانه با مزدوران آدمکش رژیم جنگیدند و حماسه آفریدند. در تمام تظاهرات توده‌ای، سنگربندی‌های خیابانی و زدوخورد با مزدوران رژیم، تجمع‌ها، اعتصابات و تظاهرات دانشجویی، در پیشاپیش جنبش ایستادند و مبارزه کردند.

در جریان این مبارزات، هزاران زن به اسارت دشمن زن‌ستیز درآمدند و زیر شکنجه‌های وحشیانه به بند کشیده شدند. حدود ۴۰ تن از زنان در جریان این مبارزات، در نبردی رویاروی با دشمن، با در اسارت به قتل رسیدند. زنان در این مبارزات نشان دادند که دریافته‌اند بدون سرنگونی جمهوری اسلامی، بدون جدائی کامل دین از دولت و بدون تحولات اساسی و رادیکال در جامعه ایران، تحقق خواسته‌های برابری‌طلبانه آن‌ها ممکن نیست. آن‌ها مستقیماً سرنگونی رژیم را هدف قرار دادند.

حضور گسترده و نقش برجسته زنان در جنبش اخیر از جهات مختلف اثرگذار بود. این نقش، محرک بزرگی برای حضور میلیونی مردم سراسر کشور و ادامه مبارزه در طول چندین ماه بود. نقش و حضور برجسته زنان در این جنبش، نه‌فقط یکی از عوامل مهم در گسترش سراسری جنبش در تمام شهرهای کشور، بلکه حتی پیوستن برخی لایه‌های اجتماعی جدید به جنبش، از نمونه پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، روزنامه‌نگاران و ... بود.

برجسته بودن حضور زنان و نقش‌آفرینی آن‌ها در این مبارزه، انعکاس بین‌المللی گسترده‌ای داشت و ضربه سیاسی بزرگی به رژیم وارد کرد. حمایت وسیع مردم کشورهای سراسر جهان از این جنبش، حتی دولت‌های آن‌ها را که سابقه ننگینی در حمایت از این رژیم جنایتکار داشته و دارند، وادار به واکنش و محکومیت سرکوب‌ها کرد، تا جایی که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک رژیم زن‌ستیز از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج کردند. این جنبش شکاف‌های درونی طبقه حاکم را نیز عمیق‌تر کرد. اکنون دیگر کم نیستند افراد و گروه‌هایی حتی از درون طبقه حاکم که به‌صراحت عنوان می‌کنند ادامه حیات جمهوری اسلامی دیگر به شیوه گذشته ممکن نیست.

زنان در جریان این مبارزه بی‌توجه به قوانین و مقررات ارتجاعی اسلامی، در ابعادی توده‌ای حجاب اجباری را به دور افکندند، آن را به آتش کشیدند، و به گرد آن رقصیدند و شادی کردند. این رویدادی چنان بااهمیت بود که باید آن را یک زلزله سیاسی در خاورمیانه اسلامی نام نهاد. چراکه در واقع به آتش کشیدن یکی از مقدسات ارتجاع اسلامی نه‌فقط در ایران بلکه در تمام منطقه خاورمیانه این کانون اسلام‌گرانی قرون‌وسطایی بود. وسعت و فراگیری نفی حجاب در جریان این مبارزه، به درجه‌ای بود که به‌رغم فروکش نسبی جنبش، ارتجاع حاکم تا به امروز نتوانسته، شرایط سابق را احیا کند و البته به‌رغم تمام تلاش‌های مذبح‌خانه، نخواهد توانست.

نقش زنان در این مرحله از مبارزه باعث گردید که کلیت جنبش علیه نظم حاکم به مرحله‌ای بسیار فراتر از تمام مراحل جنبش ارتقاء یابد و روند سرنگونی جمهوری اسلامی تسریع شود.

در بطن این دلآوری جنبش زنان و تمام حماسه‌آفرینی آن است که اکنون روز جهانی زن فرارسیده است. روزی که زنان در سراسر جهان با برپایی تجمع‌ها، راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه تبعیض و ستم جنسیتی به پا می‌خیزند و مطالبات خود را مطرح می‌کنند.

## موج جدید اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای

نسبی اعتراضات و نبردهای خیابانی، اعتراضات توده‌ای با محوریت خواست‌های صنفی و اقتصادی در حال گسترش است. گسترش اعتصابات کارگری و اجتماعات مکرر معلمان و دانش‌آموزان و برخی اقشار زحمتکش دیگر، همگی حاکی از ادامه و گسترش مبارزه حول خواست‌های صنفی و اقتصادی و دال بر صحت این پیش‌بینی است.

کارگران، معلمان، دانش‌آموزان و سایر اقشار زحمتکش، با این اعتصابات و اعتراضات، در عین حال دهان یابوگویی را که به قصد تحقیر، کارگران و معلمان و دانش‌آموزان را سرزنش می‌کردند که چرا دست به اعتراض و اعتصاب نمی‌زنند و غیره، بست.

تردیدی در این مسئله وجود ندارد که شعارها و خواست‌های صنفی و اقتصادی، باید با شعارها و خواست‌های سیاسی تکمیل شود و خواهد شد. شرایط انقلابی و متحول جامعه، عامل اصلی ناگزیری این روند است. کار و نان و آزادی باید به خواست فوری و مشخص تمام اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای تبدیل شود. مهم‌تر از این در شرایطی که گروه‌ها و محافل گوناگون و متعدد و همچنین جریان‌ها و جناح‌های رنگارنگ بورژوازی سعی می‌کنند با انتشار انواع پلات فرم‌ها و پیمان‌نامه‌ها خود را حامی کارگران و طرفدار آزادی‌های سیاسی جلوه دهند و فراتر از آن سعی می‌کنند به عنوان آلترناتیو شناخته شوند، بسیار حیاتی و مهم است که کارگران و توده‌های مردم زحمتکش، بر مبارزات و خواست‌های مستقلانه خود اکیداً پافشاری و بدیل شورایی خود را مطرح کنند. امروز هر کارگر آگاهی این را می‌داند که در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی و نظم حاکم، حتی خواست‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک کارگران و توده‌های مردم نیز برآورده شدنی نیست. بیش از ۱۰۰ سال از حاکمیت طبقات ارتجاعی و استثمارگر از جمله ۴۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، این واقعیت را اثبات نموده است. خواست کار و نان و آزادی و بسیاری از خواست‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک کارگران و زحمتکشان به‌رغم آنکه در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری به اجرا گذاشته شده‌اند اما در چارچوب نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران غیرقابل تحقق هستند. تنها یک بدیل کارگری و شورایی است که می‌تواند این خواست‌ها و سایر خواست‌های کارگران و زحمتکشان را برآورده سازد. بنابراین در شرایط حساس کنونی مطلقاً ضروری است شعارها و خواست‌های صنفی و اقتصادی با شعارها و خواست‌های سیاسی تکمیل شود و بر حکومت شورایی به‌عنوان یگانه بدیل و یگانه حکومتی که در آن اداره امور جامعه در دست خود کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت تأکید شود. تنها برقراری حکومت شورایی است که می‌تواند به خواست کارگران و زحمتکشان جامعه عمل پوشد. تنها حکومت شورایی است که وسیع‌ترین آزادی‌های سیاسی و عالی‌ترین و کامل‌ترین شکل

## بیانیه سازمان به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن با گرد هم‌آیی و تظاهرات، ۸ مارس را به روز نبردی بزرگ، علیه تبعیض و نابرابری تبدیل کنیم

بنابراین ۸ مارس فرصت مناسب دیگری است که زنان در ایران با تکیه به تجربه مبارزاتی چندین ماه گذشته، بار دیگر به تعرض جدیدی علیه ارتجاع زن‌ستیز روی آورند و با گرد هم‌آیی‌ها و تظاهرات در خیابان‌ها و سردادن شعارها و مطالباتی که انعکاس تمام خواسته‌های زنان علیه تبعیض، نابرابری و ستم است، ضربه دیگری بر پیکر پوسیده ارتجاع حاکم بر ایران وارد آورند. سازمان فدائیان (اقلیت) فرارسیدن روز جهانی زن را به زنان مبارز و ستم‌دیده ایران تبریک می‌گوید و زنان را به برپایی تجمع‌ها و تظاهرات خیابانی بدون روسری، در ۸ مارس فرامی‌خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) به‌عنوان سازمانی که برای استقرار سوسیالیسم در ایران مبارزه می‌کند و هدف فوری خود را برپایی یک حکومت شورایی و حاکمیت توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده مردم ایران بر سرنوشته خود قرار داده است، خواستار اجرای بی‌درنگ مطالبات زیر برای لغو تبعیض، ستم و نابرابری جنسیتی است.

– لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

– برخورداری آزاد و برابر زنان از امکان مشارکت در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دسترسی به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح.

– برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

– لغو تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار.

– لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن. برخورداری زنان از آزادی انتخاب پوشش.

– برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد.

– ممنوعیت هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، انزیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده و اعمال مجازات شدید در مورد نقض آن‌ها.

– ممنوعیت ازدواج کودکان تا ۱۸ سال، کودک‌آزاری و اعمال مجازات شدید در مورد نقض آن‌ها. – آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود. روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.

– به رسمیت شناخته شدن حق سقط‌جنین، بدون قید و شرط.

– مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و شش ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.

– برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار. پدر و مادر یکسان می‌توانند از این تسهیلات برخوردار باشند. احتساب اوقات رسیدگی و سر زدن به نوزادان جزء ساعات کار.

این مطالبات، مجموعه‌ای از مطالبات حداقلی زنان است که خواهان تحقق فوری آن‌ها هستند.

**نابود باد ستم، تبعیض و نابرابری علیه زنان**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**  
**زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**اسفند ۱۴۰۱**  
**کار، نان، آزادی- حکومت شورایی**

نمایندگان واقعاً منتخب آن‌هاست. در دموکراسی شورایی است که انتخاب‌کنندگان از این حق برخوردارند که هرلحظه اراده کنند بتوانند منتخبین را عزل و افراد دیگری را جایگزین سازند. تنها حکومت شورایی است که با انجام یک‌رشته اقدامات فوری و انقلابی و رفاهی به سود کارگران و زحمتکشان، شرایط جامعه را برای گذار به سوسیالیسم و نفی استثمار تسهیل می‌کند.

دموکراسی را که خواست اکثریت بسیار عظیم مردم ایران است به ارمغان خواهد آورد. این شکل از دموکراسی، دموکراسی شورایی است که با سرنگونی جمهوری اسلامی، در هم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود با همه ارگان‌های بوروکراتیک، سرکوب و ستمگری آن و استقرار حکومت شورایی محقق می‌شود. در دموکراسی شورایی است که قدرت سیاسی در دست خود کارگران و توده‌های زحمتکش مردم و

## جمهوری اسلامی غرق در گرداب بحران های بین المللی

آنچنان بر افکار عمومی جهان و جهانیان تاثیر گذار بوده است که حتی دولت های غربی نیز در مقابل جمهوری اسلامی تا حد معینی صف آرایی کرده اند. حضور خیابانی و میلیونی مردم ایران بعد از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، سلحشوری دختران و پسران جوان در میدان مبارزه، جنگ و گریز قهرمانانه جوانان علیه سرکوبگران رژیم و براه افتادن جشن روسری سوزان در کف خیابان ها حول شعار "زن، زندگی، آزادی"، آنچنان رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت که نیروهای سرکوبگر و آمکش آن با تمام نیرو برای کشتار و مهار جنبش انقلابی توده های مردم ایران بسیج شدند. سرکوب عربان جنبش انقلابی مردم از همان روزهای نخست آغاز شد، متجاوز از ۵۰۰ نفر در کف خیابان ها کشته شدند و بیش از ۲۰ هزار نفر دستگیر شدند. دختران و پسران بسیاری با شلیک مستقیم گلوله های جنگی و ساچمه ای چشم های خود را از دست دادند، گروهی از بازداشت شدگان در دادگاه های فرمایشی به اعدام محکوم شدند که تعدادی از آنان تا کنون اعدام هم شده اند.

اوضاع سیاسی بحرانی کنونی و مفتضح شدن جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و بین المللی، سبب شد تا بحران های خارجی رژیم نیز به شکل حادثی سر باز کنند و همراه با تشدید مناقشات قدیمی، بحران های جدیدی نیز به صورت هفتگی و بعضا روزانه با حدت و شدتی به مراتب بیشتر از گذشته بر سر حاکمان اسلامی آوار شده اند. تا جاییکه اکنون جمهوری اسلامی با بزرگترین چالش حیات خود یعنی چالش عدم مشروعیت در عرصه بین المللی مواجه است.

در زیر مجموعه چالش کلان عدم مشروعیت رژیم که در پی مبارزات توده های مردم ایران و تاثیرگذاری آن بر افکار عمومی جهان و جهانیان شکل گرفته است، بحران ها کوچک و بزرگ دیگری نیز هستند که مدام سر باز می کنند و روابط خارجی جمهوری اسلامی را در هاله ای از ابهام فرو برده اند. در چنین وضعیتی که کشاکش مناقشات بین المللی جمهوری اسلامی روز بروز شتاب بیشتری گرفته است، کشف ذرات اورانیوم غنی شده ۸۴ درصدی در ایران، از جمله جدیدترین بحرانی است که بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی سایه افکننده و مناسبات بین المللی رژیم با چالش جدیدی مواجه شده است.

انتشار خبر کشف ذرات اورانیوم غنی شده ۸۴ درصدی توسط خبرگزاری بلومبرگ، بار دیگر بحران هسته ای جمهوری اسلامی را به سطح مناقشات ایران با اروپا، آمریکا و ژانسیون بین المللی انرژی اتمی کشاند و سطح منازعات طرفین را بالا برد. پیدا شدن ذرات اورانیوم با غنای ۸۴ درصدی آنهم در آستانه نشست دوره ای شورای حکام که قرار است روز دوشنبه ۶ مارس در وین برگزار شود، بدون شک چالش جدیدی علیه جمهوری اسلامی در مناقشات بین المللی ایجاد خواهد کرد.

به دلیل اهمیت کشف ذرات اورانیوم غنی شده ۸۴ درصدی و فاصله کم آن با اورانیوم ۹۰ درصدی که لازمه ساخت یک بمب اتمی است، ابتدا بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی، بدون رد کردن درستی این گزارش، هدف آن را "سیاه نمایی و تحریف حقایق" در آستانه برگزاری جلسه شورای حکام خواند و گفت، که وجود ذره ای ذرات اورانیوم بالاتر از ۶۰ درصد در فرایند غنی سازی "به معنی غنی سازی بالای ۶۰ درصد نیست." او در عین حال وجود چنین ذراتی را امری "بسیار طبیعی" در روند غنی سازی دانست و گفت: "بخش دارای اهمیت، محصول تولید نهایی است که در مورد آن هم ایران تاکنون غنی سازی بالاتر از ۶۰ درصد نکرده است." کمالوندی، بعدا در گفتگو با شبکه پرس تی وی از موضع تدافعی خارج شد و با زبانی تهجمی اعلام کرد، جمهوری اسلامی حق دارد که غنی سازی را "با هر درصدی که بخواهد" انجام دهد.

از آنجا که جمهوری اسلامی در پنهانکاری واقفیت ها، سابقه طولانی دارد و کشف ذرات اورانیوم غنی شده ۸۴ درصدی نیز به نوعی توانایی رژیم در ساخت بمب اتمی را بالا برده است، بروز این امر نه تنها گستره تنش های موجود میان جمهوری اسلامی و ژانسیون بین المللی انرژی اتمی را افزایش داد، بلکه تا حدود زیادی سطح تنش، دامنه بحران و گستره انزوای سیاسی رژیم را در عرصه جهانی بالا برد. بروز این اتفاق همراه با اتهامات باقی مانده پیشین از سه مکان غیر علنی که در آن ذرات اورانیوم غنی شده یافت شده اند، آنهم در شرایطی که ژانسیون بین المللی انرژی اتمی در حال آماده سازی گزارش سه ماهه خود در باره فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی است، محتملا در نشست آتی شورای حکام تنگناهای بیشتری برای جمهوری اسلامی در عرصه جهانی ایجاد خواهد کرد. خصوصا که ژانسیون بین المللی انرژی اتمی تلاش دارد تا روشن کند که جمهوری اسلامی چگونه توانسته است اورانیوم غنی شده با خلوص ۸۴ درصد را انباشت کند. اورانیومی که برای ساخت بمب هسته ای و رسیدن به اورانیوم با غنای ۹۰ درصد، فقط اندکی فاصله دارد و کافی است تنها ۶ درصد دیگر به میزان غنای آن افزوده شود تا جمهوری اسلامی در شرایط لازم برای ساخت یک بمب اتمی قرار گیرد. موضوعی که اروپا و آمریکا به شدت نسبت به آن واکنش نشان داده اند.

البته بحران هسته ای و مناقشات ناشی از آن، تنها بحران جمهوری اسلامی در این بازه زمانی نیستند. بحران های دیگری نظیر صدور حکم اعدام برای دو تابعیتی ها، عدم دعوت جمهوری اسلامی به کنفرانس امنیتی مونیخ، بحث گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی، اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل، مناقشات بر سر کمک نظامی جمهوری اسلامی به روسیه در جنگ اوکراین و اختلافات دیگری از این دست، از جمله بحران های عدیده ای هستند که سیاست

خارج جمهوری اسلامی را با چالش های جدی مواجه کرده اند. شکل گیری این حد از چالش ها، آنهم در شرایطی که صدای جنبش انقلابی توده های مردم ایران در فراسوی مرزها انعکاسی وسیع داشته است، تاثیرات بلافصل خود را بر افکار عمومی جهانی و حتی دولت های غربی گذاشته است و آنان در این چند ماه گذشته تا حد معینی در مقابل جمهوری اسلامی صف آرایی کرده اند.

همزمان با بحران کشف اورانیوم غنی شده ۸۴ درصدی، صدور حکم اعدام برای جمشید شارمهد (دو تابعیتی ایرانی - آلمانی) توسط دستگاه قضایی ایران، یک بحران جدید بر مجموعه بحران ها و مناقشات خارجی جمهوری اسلامی افزود. اخراج دو دیپلمات جمهوری اسلامی از برلین، نخستین واکنش دولت آلمان نسبت به صدور حکم اعدام برای جمشید شارمهد بود.

چند سال پیش وقتی روح الله زم، دو تابعیتی ایرانی - فرانسوی و مدیر کانال تلگرامی آمنیوز توسط نیروهای قدس سپاه پاسداران در عراق ربوده شد و پس از انتقال به ایران در آذر ماه ۱۳۹۹ با حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اعدام گردید، کمترین اعتراضی از طرف دولت فرانسه صورت نگرفت. اکنون اما به محض اینکه حکم اعدام جمشید شارمهد، توسط دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی صادر شد، دولت آلمان در اقدامی تند و اعتراضی نسبت به این حکم عکس العمل نشان داد. وزیر خارجه آلمان در واکنش به چنین حکمی، اخراج دو دیپلمات جمهوری اسلامی را صادر کرد و رئیس جمهور آلمان نیز در توییته نوشت: "حکومت ایران به هر شکل ممکن علیه مردم خود می جنگد و حقوق آنان را نادیده می گیرد. حکم اعدام جمشید شارمهد، غیر قابل قبول است. ما آن را به شدت محکوم می کنیم و از رژیم ایران می خواهیم که این حکم را لغو کند."

واکنش سریع دولت آلمان و تفاوت آشکار آن با واکنش دو سال پیش دولت فرانسه نسبت به اعدام روح الله زم، نشان می دهد که جنبش انقلابی توده های مردم ایران تا چه حد در موضع گیری های کنونی کشور های غربی تاثیر گذار بوده است. در میان مجموعه بحران های خارجی که اکنون جمهوری اسلامی را احاطه کرده اند، عدم دعوت جمهوری اسلامی به کنفرانس امنیتی مونیخ، یکی از چالش برانگیزترین بحران های بین المللی جمهوری اسلامی در این بازه زمانی است. کنفرانسی که بر خلاف سال های گذشته از جمهوری اسلامی دعوت نشد و به جای آن، چند تن از نمایندگان اپوزیسیون بورژوازی خارج کشور رژیم در حاشیه کنفرانس حضور یافتند. کنفرانسی که عملا مشروعیت و وجهه بین المللی جمهوری اسلامی را زیر سوال برد و نشان داد که جنبش انقلابی توده های مردم ایران تا چه حد بر افکار عمومی جهان و حتی دولت ها تاثیرگذار بوده است. همانگونه که تاثیر خود را در اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل گذاشت و جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۳ آذر ۱۴۰۱ در اوج مبارزات قهرمانانه زنان ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج شد.



## جنایتی دیگر و مردمی که فریاد می‌زنند قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان

روز چهارشنبه ابراهیم ریگی پزشک ۲۴ ساله بلوچ، ساعتی پس از دستگیری، توسط مزدوران جنایتکار رژیم در کلانتری ۱۲ زاهدان واقع در منطقه بعثت به قتل رسید.

ابراهیم ریگی پزشک جوانی بود که در جمعه سیاه زاهدان (۸ مهرماه)، داوطلبانه به کمک مجروحان شتافت و به دلیل حمایت از مردم محروم و ستم‌دیده بلوچ در ۲۱ مهرماه بازداشت و ۱۱ دی‌ماه با قرار وثیقه آزاد شده بود. ابراهیم پس از آزادی همچنان به حمایت خود از مبارزات مردم ستم‌دیده ایران بویژه بلوچستان ادامه داد و در آخرین پست‌اش در اینستاگرام با نام بردن از تعدادی از جان‌فشانگان موج اخیر جنبش انقلابی توده‌ها و یادآوری جمعه خونین زاهدان نوشته بود: "از یاد هیچ ایرانی و بلوچی نخواهد رفت".

در دست نوشته‌ای از او که متعلق به دوران بازداشت‌اش در زندان است، ابراهیم با خط خود نوشته بود: "سید گل سرخ یک گل نصرانی، ما را ز سر بریده می‌ترسانی؟، ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم، در محفل عاشقان نمی‌رقصیدیم".

در پی این جنایت آشکار و ترس رژیم از گسترش اعتراضات مردم بلوچستان در اثر این جنایت، جمهوری اسلامی با قطع اینترنت، محاصره مسجد مکی و مستقر ساختن نیروهای وحشی خود در سطح شهر، تلاش کرد تا با ایجاد ترس و وحشت در میان مردم مانع اعتراض آن‌ها شود.

اما ستم‌دیدگان بلوچ بار دیگر با تسخیر خیابان‌های زاهدان و سر دادن شعارهایی همچون "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "بسیجی سپاهی داعش ما شمای" و حمل پلاکاردهایی که بر آن‌ها نوشته شده بود: "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر" قدرت اتحاد خود را به نمایش گذاشتند.

بر اساس آخرین اخبار منتشره تا زمان انتشار این اطلاعیه، صدای تیراندازی در برخی از مناطق و خیابان‌های زاهدان از جمله خیابان کشاورز شنیده شده و تعدادی از مبارزان بلوچ دستگیر شده‌اند. سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن محکوم کردن قتل وحشیانه‌ی پزشک جوان و مبارز بلوچ ابراهیم ریگی، جمهوری اسلامی را عامل اصلی قتل او و دیگر جان‌فشانگانی می‌داند که در ماه‌های اخیر در اعتراضات توده‌ای توسط مزدوران رژیم به قتل رسیده‌اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از خواست‌ها و مبارزات مردم ستم‌دیده بلوچ، خواهان برابری تمامی ملیت‌های ساکن ایران و رفع هر گونه ستم، تبعیض و نابرابری ملی است. هیچ امتیازی به هیچ ملیت و زبانی نباید داده شود. تمام ملیت‌های ساکن ایران باید از این حق برخوردار باشند که آزادانه به زبان خود سخن بگویند و تحصیل کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از خودمختاری وسیع مناطقی که دارای ترکیب و بافت ملی و جمعیتی ویژه‌ای هستند حمایت کرده و معتقد است اداره امور مناطق خودمختار باید برعهده شوراهای منطقه‌ای منتخب مردم منطقه قرار گیرد. مردم این مناطق از طریق شوراهای منتخب خود در کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان در تعیین سیاست‌های عمومی و مسائل مربوط به اداره امور سراسر کشور، مداخله خواهند داشت.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۵ اسفند ۱۴۰۱**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

## جمهوری اسلامی غرق در گرداب بحران های بین المللی

با اینهمه و به رغم اینکه جمهوری اسلامی در گرداب مناقشات بین المللی فرو رفته است و هیچ چشم اندازی هم برای بهبود و یا کاهش این بحران ها و مناقشات موجود متصور نیست، اما هرگز نباید بر این باور و توهم باشیم که آمریکا و اتحادیه اروپا از حمایت جمهوری اسلامی دست برداشته و از سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم ایران حمایت می‌کنند. دولت های غربی به رغم اینکه زیر فشار جنبش انقلابی توده های مردم ایران، مواضع سختگیرانه تری نسبت به جمهوری اسلامی گرفته اند و به نوعی مذاکرات توافق برجام را در این بازه زمانی از دستور کار خود خارج کرده اند، اما کماکان بر بقای جمهوری اسلامی تاکید دارند. آمریکا، انگلیس، کانادا و اتحادیه اروپا، به رغم اینکه مدام بر سیاست های تروریستی جمهوری اسلامی تاکید دارند و مدام تحریم های سنگینی را علیه سپاه پاسداران و دیگر نهادها و مقامات جمهوری اسلامی وضع می کنند، اما همچنان بر مناسبات دیپلماتیک و رایزنی با جمهوری اسلامی تاکید دارند تا جاییکه کماکان گزینه "دیپلماسی" را بهترین گزینه ایجاد "امنیت" و "ثبات" در منطقه می دانند.

اگر امروز در مواضع کشورهای غربی نسبت به جمهوری اسلامی کمی هم تغییری ایجاد شده باشد، این تغییر برگرفته از مبارزات قهرمانانه زنان و مردان و کارگران و دانشجویان و معلمان و بازنشستگان و نویسندگان و دیگر لایه های مردم ایران است، که دولت های غربی را به موضع گیری های تندتر در مقابل جمهوری اسلامی کشانده است. مواضعی که صرفا برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی جهت کشاندن این رژیم مفلوک به پای میز مذاکره است. اما برای توده های مردم ایران که به تاسی از موقعیت انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بپا خاسته اند، راه و هدف کاملا روشن است. تشدید و گسترش مبارزات خیابانی، بسیج و سازماندهی کارگران و توده های زحمتکش مردم برای برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی و پیامد آن، برپایی قیام مسلحانه توده ای برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان. یگانه راه انقلابی که نه فقط رهایی و نجات مردم ایران را به همراه دارد، بلکه بر بحران های بین المللی کشور نیز غلبه خواهد کرد.





## زنده باد اعتصاب، زنده باد مبارزات کارگران ذوب آهن

کارگران ذوب آهن اصفهان از روز شنبه ۶ اسفند به طور یکپارچه در تمامی شیفت‌ها از جمله شیفت شب دست به اعتصاب زدند. از مهم‌ترین خواست‌های کارگران اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده است.

در پی اعتصاب کارگران، ساعت ۴ صبح روز یکشنبه ۷ اسفند نیروهای یگان ویژه که ویژه بودن‌اش همانا مقابله و سرکوب خشن هرگونه اعتراض توده‌ای و اعتصاب به منظور حفظ نظم سرمایه‌داری حاکم است، وارد محوطه کارخانه شد. براساس اخبار منتشره در پی یورش یگان ویژه حفظ نظم پوسیده حاکم، بیش از ۶۰ کارگر ذوب آهن دستگیر شدند که تا لحظه‌ی انتشار این اطلاعیه هیچ‌گونه خبری از آزادی کارگران بازداشتی منتشر نشده است. براساس این اخبار، یگان ویژه برای ایجاد رعب و وحشت همچنان در محوطه کارخانه مستقر است.

پیش از این نیز کارگران ذوب آهن در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان و ۵ تا ۷ آذر با همین خواست‌ها دست به اعتصاب زده و با راهپیمایی در محوطه کارخانه فریاد برآورده بودند: "ذوب آهنی داد بزن، حق تو فریاد بزن".

دوشنبه اول اسفند نیز نیروهای یگان ویژه با استقرار در مجتمع گاز پارس جنوبی در عسلویه، مانع تجمع کارگران شده و ۵ تن از نمایندگان کارگران را دستگیر کرده بودند.

امروز همچنین کارگران فولاد یزد نیز دست به اعتصاب زده و با راهپیمایی در محوطه کارخانه فریاد برآوردند: "کارگر می‌میرد، دلت نمی‌پذیرد". حدود ۶۰۰ تن از کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز از روز گذشته دست به اعتصاب زده‌اند.

براساس گزارش‌های منتشره در طول تنها یک هفته‌ی اخیر حدود ۳۰ اعتصاب و تجمع کارگری رخ داده است. علاوه بر اعتصابات کارگری، روزهای اخیر شاهد تجمعات اعتراضی متعدد معلمان، بازنشستگان کشوری، تامین اجتماعی، مخابرات، معلولان، نانویان، و بسیاری از دیگر حقوق‌بگیران بوده‌ایم.

خانواده‌های زندانیان سیاسی و زندانیان محکوم به اعدام نیز در روزهای گذشته بارها دست به تجمع زده‌اند. اعتراضات شبانه در برخی از شهرها همچنان ادامه دارد و خیابان‌های شهرهای بلوچستان بویژه زاهدان، بهرغم تمامی تهدیدات نیروهای مزدور رژیم همچنان در روزهای جمعه در تسخیر مردم ستم‌دیده‌ی بلوچ است.

در حالی که بحران اقتصادی روز به روز تعمیق می‌یابد و شانه‌های کارگران و زحمتکشان زیر بار سنگین تورم خم شده است، جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به وضعیت معیشتی مردم، نیروهای مزدور خود را برای سرکوب کارگران و زحمتکشان می‌فرستد. مردمان ستم‌دیده‌ای که از بدیهی‌ترین حقوق خود محرومند.

گسیل نیروهای یگان ویژه و دستگیری بیش از ۶۰ کارگر ذوب آهن بیش از هر چیز نشان ترس رژیم از انقلاب محرومان را بر پیشانی خود دارد. رژیم فاشیستی حاکم که با موج وسیع اعتراضات توده‌ای در روزهای اخیر روبروست، هراسان بر این گمان واهی‌ست که با سرکوب می‌تواند از پیوستن جویبارها به یکدیگر و تبدیل‌شان به رودی خروشان جلوگیری کند. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی بر لبه پرتگاه قرار داد و عمر ننگین‌اش رو به پایان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آزادی بی‌قیدوشرط و فوری تمامی کارگران بازداشتی و نیز کلیه زندانیان سیاسی است. سازمان فدائیان (اقلیت) راه رهایی طبقه کارگر ایران را در سازمان‌یابی و اتحاد برای سرنگونی جمهوری اسلامی می‌داند. طبقه کارگر ایران با برپایی کمیته‌های اعتصاب، کمیته‌های هماهنگی اعتصاب و اعتصاب سراسری می‌تواند در قامت یک طبقه راه را برای فراهم آوردن ضربه نهایی به رژیم سرمایه‌داری و فاشیستی حاکم باز کند.

**پیش به سوی اعتصاب سیاسی سراسری**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**  
**نابود باد نظام سرمایه‌داری**  
**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۷ اسفند ۱۴۰۱**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**



## با فریادی بلند علیه اعدام و شکنجه به پا خیزیم

سحرگاه روز چهارشنبه، سرکوت (آرش) احمدی ۲۹ ساله و از اهالی روانسر که در سال ۱۳۹۹ بازداشت شده بود، در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه بدون آخرین دیدار با خانواده، توسط دژخیمان رژیم جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی اعدام شد.

سه روز قبل‌تر و در سحرگاه روز یکشنبه حسن عیبات زندانی سیاسی در زندان سپیدار اهواز به اتهام عضویت در "گروه‌های مخالف نظام" اعدام شده بود. حسن عیبات ۴۴ ساله پدر یک فرزند بود و در سال ۹۰ همراه با ۵ تن دیگر دستگیر شده و مدت ۱۱ سال در زندان بود. ماموران جمهوری اسلامی حتی از حضور مردم اهواز در مراسم خاکسپاری او با خشونت جلوگیری کردند.

جرم واقعی حسن عیبات این بود که عرب بود و جرم سرکوت احمدی نیز کرد بودن او بود. جمهوری اسلامی پس از اعدام سرکوت احمدی بار دیگر در نمایشی تهوع‌آور اعترافات تلویزیونی او را از صداوسیما خود پخش کرد. اعترافاتی که از نظر مردم ایران تنها بیانگر شکنجه سرکوت برای تهیهی آن نمایش کثیف است.

جمهوری اسلامی با فاصله بسیار زیاد بالاترین میزان اعدام نسبت به جمعیت را در بین دولت‌های جهان داراست. رژیمی که تنها با زندان و شکنجه و دار به حیات خود ادامه می‌دهد. از شهریور ماه سال‌جاری تعدادی از زندانیان سیاسی در زیر شکنجه جان خود را از دست داده‌اند، یا در اثر شکنجه بعد از آزادی به طرز مشکوکی جان باخته و یا حتی در اثر تأثیرات روانی شکنجه متأسفانه دست به خودکشی زده‌اند. روز گذشته خالد وکیلی که در زیر شکنجه به قتل رسیده بود، در سنجندج توسط گروهی از مردم شهر به خاک سپرده شد.

خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام نیز در هفته جاری بار دیگر دست به تجمع زده و خواستار لغو حکم اعدام عزیزان خود شدند که عمدتاً با اتهام قاچاق مواد مخدر محکوم به اعدام شده‌اند. آن‌ها در هفته‌ها و ماه‌های اخیر بارها در برابر دستگاه قضایی رژیم دست به تجمع زده و چندین بار نیز ماموران امنیتی رژیم با خشونت آن‌ها را متفرق کرده و حتی تعدادی را دستگیر کرده بودند.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار لغو فوری مجازات اعدام و لغو هر گونه شکنجه است. رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی با اعدام دو زندانی سیاسی که در گذشته دستگیر شده بودند به ارزیابی و اکتش جامعه نشسته است تا در صورت عدم واکنش جامعه، به جنایات خود در زندان‌ها شدت بخشد. هم اکنون تعدادی از زندانیان سیاسی با خطر اجرای حکم اعدام روبرو هستند.

نیاید اجازه داد تا رژیم به جنایات خود در زندان‌ها ادامه دهد. با فریادی بلند علیه اعدام و شکنجه به پا خیزیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی شویم.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۴ اسفند ۱۴۰۱**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

**رژیم جمهوری اسلامی را باید**

**با یک اعتصاب عمومی سیاسی**

**و قیام مسلحانه**

**بر انداخت**



## شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌های مخفی جمهوری اسلامی

ایدئولوژیک و سیاسی خود بر توده‌های زحمتکش مردم، می‌رود تا سلطه خود را با تکیه به ابزار قهر و سرکوب نیز کاملاً از دست بدهد. نگاهی به ابعاد بحران‌ها نشان می‌دهد که دیگر هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از انفجار اجتماعی نیست. جمهوری اسلامی از سر ناچاری و ترس "فرمان عفو" صادر می‌کند، اما از آن طرف دستگیری‌ها ادامه دارد. جمهوری اسلامی زندان برای نگاهداشتن آن‌همه زندانی ندارد، از سوی دیگر ۸ هزار نفر را به خاطر سرقت در یک هفته دستگیر می‌کند. از ترس "فرمان عفو" می‌دهد و اعدام بازداشتی‌های اخیر را متوقف می‌کند، اما در آن سو ابراهیم ریگی را در عرض چند ساعت به قتل می‌رساند و از ترس آن که ماجرای قتل مهسا تکرار شود، به سرعت دست به کار شده و سناریویی تهوع‌آور در توجیه قتل ابراهیم ریگی می‌نویسد.

قتل، شکنجه، زندان و اعدام دیگر نمی‌تواند مانعی برای سرنگونی رژیم شود. حتا زندان‌ها نیز به مانند کارخانه و خیابان و مدرسه و دانشگاه، به محلی برای اعتراض به نظم پوسیده حاکم تبدیل شده‌اند. جمهوری اسلامی با همه ابزار سرکوباش رفتنی‌ست و به گور سپرده خواهد شد، اما مهم این است که از همین امروز بدانیم چه چیزی باید جایگزین این حکومت فاشیستی شود؟ چه حکومتی می‌تواند در عمل به شکنجه و زندان و اعدام خاتمه دهد، رفاه و زندگی و آزادی را به ارمغان آورد؟ بی‌شک این تنها حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، حکومتی که از آن توده‌ها و برای توده‌هاست، حکومتی در دست توده‌ها و نه در دست عده‌ای قلیل، می‌تواند در عمل به آرزوهای من و شما، به آرزوهای کودکان و پدران و مادران، به آرزوهای دادخواهان، به آرزوهای ملیت‌های تحت ستم، به آرزوی تحقق خواست برابری و آزادی جامعه عمل ببوشاند.

در رابطه با ابعاد گسترده‌ی بازداشتی‌های اخیر، برای نمونه رئیس کل دادگستری استان بوشهر از آزادی ۹۷۹ زندانی در پی "عفو خامنه‌ای" خبر داد که از این تعداد به گفته‌ی وی ۲۴۶ نفر در جریان اعتراضات اخیر دستگیر شده بودند. استان بوشهر حدود ۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده است. با توجه به این که تعداد دستگیری‌ها نسبت به جمعیت در برخی از استان‌ها همچون کردستان بسیار بالاتر از استان بوشهر بود، به راحتی می‌توان این نتیجه را گرفت که تعداد دستگیری‌های اعتراضات اخیر به مراتب از ۲۰ هزار نفر بیشتر است، رقمی که پیش از این اعلام شده بود. این را هم در نظر داشته باشیم که همچنان هر روز اخباری از بازداشتی‌های جدید منتشر می‌شود.

این یک واقعیت است که جمهوری اسلامی در تمامی عرصه‌ها با بحران‌های پیچیده و بزرگی روبروست. برای نمونه به گفته‌ی رئیس پلیس آگاهی "فراجا" (فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی) تنها در طول یک هفته گذشته بیش از ۸ هزار نفر به اتهام سرقت دستگیر شده‌اند (خبرگزاری ایلنا سوم اسفندماه). همین یک نمونه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی تا چه اندازه در مقابله با بحران‌های گوناگونی که جامعه درگیر آن است ناتوان بوده و تنها راهی که به ذهن‌شان خطور می‌کند همان بگیر و ببند است. روشی که در طول تمام این سال‌ها به کار برده‌اند، اما بحران‌ها برعکس مدام عمیق‌تر و عمیق‌تر شده‌اند. روشی که امروز اما به صورت دیوانه‌واری از آن استفاده می‌کنند و این بهره‌گیری دیوانه‌وار نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی در پی از دست دادن سلطه

"رهبر" خون‌آشام‌شان، به هر جنابیتی که توانستند علیه زندانیان مبارز دست زدند. وقتی ابراهیم ریگی تنها در عرض چند ساعت و با براساس اخباری تنها در عرض یک ساعت در زیر شکنجه به قتل می‌رسد؛ وقتی به راحتی بیش از ۱۰۰ نفر را در جمعه سیاه زاهدان به قتل می‌رسانند، صدها تن دیگر زخمی می‌شوند و کسی به خاطر این جنایات حتا مواخذه نمی‌شود؛ وقتی در کردستان با سلاح‌های سنگین جنگی وارد شهر می‌شوند و دست به هر جنابیتی می‌زنند؛ وقتی نیکا، خدانور، کیان، حدیث، سارینا و دیگران به خاطر اعتراض به بدیهی‌ترین خواست‌های‌شان به قتل می‌رسند و خانواده‌های آن‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند؛ وقتی توماج صالحی و دیگر توماج‌های این سرزمین به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها برای به تسلیم واداشتن آن‌ها تحت شکنجه قرار می‌گیرند؛ وقتی محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد حسینی و محمد مهدی کرمی در دادگاه‌های فرمایشی به اعدام محکوم و عامدانه به قتل می‌رسند؛ همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که ما با یک سیستم جنایتکار روبرو هستیم که برای بقای خود از هیچ جنابیتی فروگذار نیست. این سیستم جنایتکار نیز برای جنایات خود به مزدور نیاز دارد، مزدورانی لمین و آدمکش که از هر جهت از سوی حکومت تامین و راضی شده باشند.

در ماه‌های اخیر گزارش‌های متعددی از شکنجه‌های وحشیانه زندانیان منتشر شده است. از تجاوز به دختران و پسران در بازداشتگاه "اسپاه پاسداران انقلاب اسلامی" در زاهدان تا تجاوز در ون‌های "فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی" در تهران، از کشته شدن در زیر شکنجه تا مرگ‌های "مشکوک" پس از آزادی، و البته که "مشکوک" نیستند. برای مردم ایران مشخص است که علت چیست. در واقع دو علت دارد. یکی تاثیر روانی شکنجه‌ها که زندانی را پس از آزادی به خودکشی وامی‌دارد و دیگری تاثیر "داروهای" که به اجبار به زندانی می‌خورانند. "داروهای قاتلی" که منجر به مرگ انسان می‌شوند.

یک موضوع مهم دیگر که باید بر روی آن تاکید کرد، حجم وسیع دستگیری‌هاست. جمهوری اسلامی در اعتراضات اخیر نه تنها بیش از ۵۰۰ نفر را در خیابان‌ها به قتل رساند و هزاران نفر را مجروح کرد که از میان آن‌ها تعدادی (یک) چشم‌شان را از دست دادند، بلکه هزاران معترض را دستگیر و شکنجه کرد تا این‌گونه به گمان واهی خود "خدای دهه‌ی ۶۰ را از گور بیرون بیاورد" و جامعه را در وحشت فرو برد. گمانی واهی که امروز همه شاهد آن هستیم. این همه جنایت در خیابان‌ها و زندان‌ها هرگز نتوانست بر عزم توده‌های ستم‌بدهی ایران اثری بگذارد و مردم به چیزی کمتر از سرنگونی قهرآمیز رژیم قانع نخواهند بود. این واقعیت را امروز بسیاری حتا در اردوگاه ضد انقلاب باور کرده‌اند.



## شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌های مخفی جمهوری اسلامی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1010 February 2023

زیاد بود که رژیم از مراکز هم‌چون مدارس و مساجد نیز برای به زنجیر کشیدن و شکنجه‌ی جوانان و دیگر قهرمانان مبارز توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران استفاده کرد.

مساجد که در طول این سال‌ها بر اساس فلسفه‌ی وجودی‌شان مرکز تبلیغ خرافات و جعلیات تاریخی برای حفظ نظم ارتجاعی حاکم بودند، در موج اخیر جنبش انقلابی به مانند کلیساهای قرون وسطی به زندان و ابزار شکنجه مجهز شدند و برای "ثواب الهی" به پسران و دختران در مساجدشان تجاوز کردند، آن‌ها را به شلاق بستند، به بیضه‌هایشان وزنه آویزان کردند و البته از شوک الکتریکی هم استفاده کردند. "و همه‌ی این‌ها برای رضای خدا و نماینده‌ی او بر روی زمین" بود. بی‌شک این جنایات بی‌مکافات نخواهند ماند.

آشکار است که جمهوری فاشیستی اسلامی در وحشت ترس از مرگ، برای سرکوب اعتراضات با تمام قوا وارد میدان شد و به همین منظور به نیروهای سرکوب‌باش که به تمام معنا مزدور و لمپن هستند، اختیار تام داد. روش جنایتکارانه‌ی که جمهوری اسلامی در طول حیات‌اش همواره به کار بسته است.

این‌گونه است که این جنایتکاران با اختیار تام

در صفحه ۹

در مشهد بویژه از مساجد برای شکنجه و بازداشت زندانیان استفاده شده است. از جمله شکنجه‌های رایج که زندانیان سیاسی بازگو کرده‌اند می‌توان به ضرب و شتم شدید که منجر به شکستن اعضای بدن شده است، شلاق، شوک الکتریکی، آزارهای جنسی از تهدید به تجاوز تا تجاوز از جمله با باتوم اشاره کرد.

بر این نکته‌ی مهم باید تاکید کرد که سی ان ان برای تهیه گزارش مستند خود با محدودیت‌های بسیار روبرو بوده و امکان گفتگو با هزاران بازداشتی اعتراضات اخیر را نداشته است، اما با این وجود از وجود ۴۰ شکنجه‌گاه مخفی رژیم پرده برداشته است. بنابراین می‌توان با اطمینان گفت که تعداد این شکنجه‌گاه‌های مخفی بسیار فراتر از ۴۰ شکنجه‌گاهی‌ست که در این گزارش به آن‌ها اشاره شده است.

نکته مهم دیگر استفاده از مسجد برای بازداشت و شکنجه است. تا پیش از این، گزارش‌های متعددی از بازداشتگاه‌های مخفی رژیم برای شکنجه زندانیان سیاسی منتشر شده بود. حتی در دهه‌ی ۶۰ نیز این مراکز شکنجه بویژه در ساختمان‌ها و مراکز نظامی متعلق به کمیته (که بعدها بخشی از نیروی انتظامی شد)، سپاه و یا وزارت اطلاعات وجود داشتند. اما در موج بلند اخیر جنبش انقلابی، تعداد دستگیری‌ها آن‌چنان



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

### تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

**Alternative Shorai**

**Satellite: Yahsat**

**Frequency: 12594**

**Polarization: Vertical / عمودی**

**Symbol Rate: 27500**

**FEC: 2/3**

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی